



IRANWORLDINSTITUTE

گذار به دموکراسی و مشکلات آن

(نسخه اصلی این نوشته در سال ۲۰۰۷ به زبان فرانسه منتشر گردید)

مسئله گذار (transitologie) از سالهای ۱۹۸۰ به بعد در دستور کار بسیاری از پژوهشگران جامعه شناسی سیاسی قرار دارد *

اما بیشترین پژوهشهای منتشر شده مربوط به کشورهای کمونیستی پیشین میباشد. برای اکثر پژوهشگران سوال این است که بدانند آیا امکان گذار از بالا یعنی گذاری که با مذاکره میان نخبه های جامعه و حاکمان انجام شود و بدون خشونت و بصورت مسالمت آمیز باشد امکان پذیر است یا خیر *

نمونه این گذارهای آرام در کشورهایی مانند جمهوری چک ، مجارستان لهستان وجود داشته است که نکته مشترک در این کشورها وجود جامعه مدنی قوی و سازمان داده شده است *

نمونه دیگری از کشورها که مورد مطالعه قرار گرفته است کشورهای بلغارستان ، رومانی و المان شرقی میباشد که گذار در آنها نه از بالا بلکه از پائین و از راه خشونت و هرج و مرج بوجود آمده که نکته مشترک در این کشورها وجود جامعه مدنی ضعیف میباشد *

لازم به تذکر است که جامعه مدنی تشکیل شده از اصناف انجمنها گروه ها و بخش خصوصی اقتصاد که سازمان داده شده هستند و مستقل از نظام حکومتی و در مقابل این نظام بوجود می آید ولی ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با جامعه دولتی و سیاسی دارد. هر چند جامعه مدنی قوی تر باشد گذار به دموکراسی آسان تر میشود زیرا جامعه مدنی در بر گیرنده حقوق دموکراتیک شهروندی است.

اگر رژیم حاکم بر جامعه تحمل میانه روهای قوی و مستقل را نداشته باشد و نتواند تند روها و افراطیون را کنار بگذارد تغییر از بالا غیر ممکن میگردد زیرا میانه روها توسط افراط گراها از میان برداشته میشوند.

مسلم است که مدلهای تعیین شده برای کشورهای کمونیستی پیشین و یا دیکتاتوری دیگر قابل تقلید برای ایران نمیباشد زیرا تئوری path dependence, وابستگی به سیر تاریخی گذشته، گذار شناسی کلاسیک را محدود میکند یعنی موانع مربوط به گذشته تاریخی و سیاسی را در این گذارشناسی دخالت میدهد.

اما در عین حال شباهت های مهم بین رژیمهای کمونیستی سابق و رژیم جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. به همین دلیل میتوان از چند مدل نزدیک به مدل ایران استفاده نمود و این سؤال را مطرح کرد که جامعه مدنی ایران چگونه است چه رشدی دارد و ماهیت بازی کنانش کدام است.

جامعه مدنی ایران در اواخر پادشاهی به سرعت در حال رشد بود و خواسته های خود را به طور مستقیم و غیر مستقیم مطرح میساخت. وقوع انقلاب اساس این جامعه مدنی را لرزاند و بدلیل ترور انقلابی بخش مهمی از این جامعه به خارج از کشور (اروپا و امریکا) پناهنده شد. رژیم اسلامی پس از انقلاب با خواست جدید برای باز تشکیل جامعه مدنی نوین مواجه شد.

این جامعه مدنی نوین از چند مرحله عبور کرد تا بتواند بارژیم اسلامی مقابله کند

۱-

مرحله نخست که مرحله دفاع بود و این جامعه باید به دفاع از افراد و گروههای مستقل از نظام اسلامی می پرداخت و با هدف اصلاحات و ضعیف کردن اسلامیسزم زور گو و ختم ترور انقلابی رابطه بین خود و نظام سیاسی را تعیین میکرد، این مرحله اصلاح طلبی و مخالفت ورزی را بوجود آورد.

۲-

در مرحله دوم که مرحله ظهور نام دارد، جامعه مدنی نوین سعی به تشکیل انجمنها و سازمان های مستقل از دستگاه دولت اسلامی نمود و کمک به رشد جنبش های اجتماعی کرده و راه حل های جایگزینی را جستجو نمود. در این مرحله جامعه مدنی تعریف جدیدی از ارزشهای سنتی را عرضه کرد و افکار عمومی را سازمان داد. این مرحله قبل از ماه مه ۱۹۹۷ و روی کار آمدن خاتمی میباشد.

در مرحله سوم که بسیج نام دارد، تشکل‌های مستقل از نظام و دولت اسلامی اظهار وجود میکنند. هدف این مرحله غیر مشروع ساختن قدرت دولت اسلامی حاکم و پیشنهاد راه حل‌های جایگزین به مردم میباشد. هدف دیگر بوجود آوردن ائتلافی از اپوزیسیون است که بتواند مردم را بسیج کند. در این مرحله گروه‌های حاکم به میانه روها (softliners) و تند روها (hardliners) تقسیم شده و شعارهای خودی و نا خودی مطرح میگردد. این مرحله به انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری منجر شد و بخش میانه رو نظام به مدت هشت سال حکومت اسلامی را بطور محدود کنترل نمود.

اما تجربه خاتمی در هیچ زمان نهادینه نشد و رهبرانی که از پشتیبانی جامعه مدنی بر خوردار بودند نتوانستند قوانینی را که ضامن استقلال عملکرد اجتماعی جامعه مدنی باشد پیاده کنند و یک نوع قرارداد اجتماعی را بین نظام اسلامی و جامعه مدنی بر قرار ساخته و یک انتخابات آزاد و کثرت گرا را بر گزار سازند.

در عین حال از زمان پیدایش این مرحله تا به امروز جامعه مدنی نوینی که اکثریت قاطع آن با ناخودی‌ها میباشد توانست یک فرهنگ مخالف (culture d'opposition) عرضه کند که عملکرد آن در سطح مادون (infra) میباشد. به این مفهوم که تعقیر فرهنگ عمومی، زبان و رفتار و دیگر نمودارهای جمعی جامعه مدنی را مطرح میسازد. فرهنگ اپوزیسیون به مردم امکان بیان دموکراتیک داده و ایجاد یک اپوزیسیون ضد تمام گرا را اسان میسازد. این فرهنگ یک فضای نهادی را نیز بوجود میآورد که در آن بیان شهروندی امکان پذیر میگردد. این فرهنگ بخشهای اقتصاد و آموزش غیر رسمی و مستقل را تقویت کرده که این عمل میتواند نیز اثر منفی داشته باشد زیرا دولت اسلامی با در دست گرفتن بخش اقتصاد غیر رسمی میتواند از وظیفه رسمی خود صرفنظر کرده و یک اقتصاد کاذب را بوجود آورد. پس از شکست خاتمی مسله گذار دموکراتیک غیر خشونت از بالا و توانایی میانه روها در بسیج عمومی و نهادی شدن پیروزی آنها برای جامعه مدنی نوین دوباره مطرح گردید. شکست تجربه خاتمی در عین حال جناح نو فاشیست تند روها را تقویت نمود و احمدی نژاد به قدرت رساند.

در مرحله چهارم و انتخابات ۲۰۰۹ که پس از قلب احمدی نژاد و خامنه ای بوجود آمد جامعه مدنی نوین این بار به صورت اشکار در سطح داخلی و جهانی خواستهای دموکراتیک خود را که خواستهای یک جامعه مدنی پیشرفته میباشد مطرح ساخت. این خواستهای شهروندی در مقابل و در مخالفت با کل نظام میباشد. زیرا جامعه در عمل به این نتیجه رسید که مانع اصلی پیاده شدن خواستهایش نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن و ولایت فقیه میباشد و برای تحقق خواستهایش باید یک نظام حکومتی دیگر ایجاد کند که دیانت از حکومت جدا باشد.

در اینجا باید یک مساله اساسی را یاد آوری نمود و آن این است که جامعه مدنی تمامی خواستهای شهروندی ابتدایی و اساسی را در چار چوب گذار به دموکراسی مطرح میسازد ولی هیچگاه بصورت مستقیم خواهان در دست گرفتن قدرت سیاسی نیست و این وظیفه را ندارد. او از جامعه سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی که وظیفه شان شرکت در قدرت

سیاسی و کنترل قدرت سیاسی است می‌خواهد که خواسته‌های جامعه مدنی را در عرصه سیاسی مطرح ساخته و به این خواسته‌ها پاسخ مثبت گویند.^۱ جنبش سبز که بخش مهم جامعه مدنی نوین است به دنبال در دست گرفتن قدرت سیاسی نمی‌باشد بلکه از افراد رهبران و سیاسیون می‌خواهد که پاسخگوی خواسته‌های مردم باشند.^۲ بیان جایگزینی و یا الترناتیو سیاسی را در همین مورد بکار می‌برند.^۳ تا کنون نه در داخل ایران و نه در خارج از ایران هیچگونه راه حل سیاسی به جنبش مدنی پیشنهاد نشده است.^۴ در داخل ایران تا کنون نه کروی و نه موسوی خواستار قبول رهبری سیاسی شده اند و در خارج از ایران هیچگونه راه حل سیاسی پیشنهاد نشده است.^۵ به همین دلیل جامعه مدنی در کل و بخش سبز آن در انتظار مانده است.^۶ در پایان یاد آوری میکنم که گذار از دیکتاتوری به دموکراسی بسیار پر خطر میباشد و کسانی که در این آزمایش شرکت میکنند باید با مسولیت زیاد به وظایف خود عمل کنند.^۷ فراموش نکنیم که شکست گذار از دیکتاتوری شاه به دموکراسی باعث شد تا مردم ایران هنوز نتوانند خود را از نظام دیکتاتوری اسلامی رها سازند.^۸

شاهرخ وزیری ماه مارس ۲۰۱۱

منبع‌ها

- 1- Sh.Vaziri, Une transition à l'iranienne, in: Iranworldinstitute.org, 2007.
- 2- Revue française de science politique, No 4-5, Aout-octobre 2000, ainsi que Guillermo O'DONNELL, Philippe C. SCHMITTER, Transitions from Authoritarian Rule. Tentative Conclusions about Uncertain Democracies., London, The John Hopkins University Press, 1986).
- 3- Weigle M., Butterfield J., « Civil society in reforming communist regimes : the logic of emergence. », in: Comparative Politics, Volume 25, n°1, octobre 1992.
- 4- Les groupes dominants et le jeu politique islamique en Iran©Vaziri, janvier 2000.
- 5- James C. SCOTT, Domination and the Arts of Resisitance. Hidden Transcripts., New haven and London, Yale University Press, 1990.
- 6- ©Vazir IRAN : LA REPUBLIQUE CHAOTIQUE 2002.